



بررسی تطبیقی نوگرایی در معماری و داستان نویسی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲

خالده اقبالی^۱، محمد سیدفرشی^۲، سیروس جمالی^۳

۱- هیات علمی گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی پارس آباد

۲- دانشجوی مقطع دکترای معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

۳- استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

چکیده

نوگرایی (تجددگرایی) در ایران ریشه در اوایل دوره قاجاریه دارد و پس از آن در دوره پهلوی با فراز و نشیبهایی همراه بوده است. با توجه به میراث گرانبهای معماری و ادبیات داستانی ایران مطالعه تطبیقی نحوه برخورد و همراهی آنها با جریان نوگرایی میتواند زوایای جدیدی از نحوه تعامل جامعه ایرانی با این پدیده را مشخص نماید. پژوهش حاضر در پی چگونگی تاثیر نوگرایی در معماری و داستان نویسی ایران در سالهای ۳۲-۱۳۲۰ و شباهتها و تفاوتهای آن در این دو حوزه است. روش تحقیق در این مطالعه تاریخی - تحلیلی، تطبیقی می باشد. تاثیر آراء و آثار اروپایی، حضور افراد خلاق و جریان ساز، بکارگیری قالب های نو و انطباق با ارزش های محلی، تاثیرات متقابل با سیاست، ایجاد نهادهای صنفی و توجه به شهر و شهرنشینان از مشابتهای جریان نوگرا در این دو وادی است و پایگاه خانوادگی متفاوت افراد تاثیرگذار، اختلاف زمانی وقوع، پیوستگی ادبیات داستانی و انقطاع معماری از میراث گذشته و تفاوت در نقد یا تعامل حاکمیت همراه با نگرش متکثر ادبیات داستانی و نگاه تک سویه معماری نوگرا در این برهه از تفاوتهای جریان نوگرایی در این دو حوزه است.

کلید واژه ها: ایران، معماری، داستان نویسی، نوگرایی، پهلوی



مقدمه

۱-۱- بیان مساله

مواجهه ایرانیان با غرب و برقراری ارتباطات مستمر بین المللی از اوایل دوره قاجار و همزمان با اوج رقابتهای دول اروپایی در اوایل قرن نوزدهم به وقوع پیوست. در میانه جنگهای اول ایران و روسیه، عباس میرزا ولیعهد و فرمانده قشون ایران با مشاهده تفاوتهای چشمگیر ابزار و فنون رزم با امپراطوری تزاری و همچنین اطلاعاتی که در بین مذاکرات با نمایندگان مختلف اروپایی بدست می آورد متوجه میزان عقب ماندگی کشور از کشورهای پیشرو آن دوره شد و برای جبران آن افرادی را برای تحصیل علوم جدید راهی اروپا کرد که این امر در دوره های بعدی نیز ادامه یافت. با بازگشت تحصیلکردگان اروپا به کشور نگاه جدیدی در کشور نهضت گرفت که در پی راهی برای جبران عقب ماندگی ها و رساندن کشور به سطح کشورهای مترقی بود. این نوگرایی یا تجددگرایی با جنبش مشروطیت در بستر سیاسی و اجتماعی قالبی رسمی به خود گرفت و بعدها در سایر شئون کشور نیز گسترش یافت.

۱-۲- اهمیت موضوع

بررسی نحوه برخورد دو مقوله معماری و داستان نویسی با جریان تجددگرایی با توجه به پیشینه پربار آنها در کشور از یک سو و تفاوتهای ماهوی و نیز ساختاری شان از دیگر سو می تواند گوشه های جدیدی از نحوه برخورد جامعه ایرانی با این پدیده گسترده را مشخص نماید. تحقیق پیش رو تلاش دارد تا به چگونگی نحوه عمل جریان نوگرایی و اشخاص تاثیرگذار در حوزه های داستان نویسی و معماری در دهه بیست و اوایل دهه سی و خورشیدی بپردازد. همچنین به این سوال بپردازد که چه تفاوتها و شباهتهایی در جریان نوگرایی در حوزه داستان نویسی و معماری در این بازه زمانی وجود داشته است.

۱-۳- پیشینه

مطالعات تطبیقی انجام گرفته در حوزه معماری و ادبیات به شکل عام و داستان نویسی به شکل خاص در کشور بیشتر منوجه بررسی مقایسه ای مولفه های شکلی نظیر ریتم، ساختار و... و یا کاربردها و اصطلاحات معماری در اشعار دوره های مختلف تاریخی و یا حضور جملات ادبی و عمدتاً اشعار در تزیینات و کتیبه های مختلف آثار معماری بوده است. بر اساس نتایج یک تحقیق، ارتباط معماری و ادبیات را از سه جنبه می توان بررسی کرد: ۱- کاربرد اصطلاحات معماری در ادبیات. شاعران و نویسندگان از کلماتی مانند کاروانسرا، خانه، طاق و... استفاده کرده اند تا مفاهیم و مطالب ذهنی، حکمی و عبرت آموز را برای خوانندگان ملموس تر نمایند ۲- اشاره به بناها و ساختمان هایی که ضمن داستان ها آمده است به عنوان جلوه معماری در ادبیات ۳- استفاده از اشعار و جمله های زیبا در کاشیکاری ها و گچ بری ها که در سردر عمارت ها، ورودی ها، گنبدها و... دیده می شود به عنوان جلوه ادبیات در معماری. (محلوجی زاده، ۱۳۹۴). همچنین بیان مضامین تاریخی و عرفانی در قالب شعر در کتیبه های بناهای دوره تیموری و صفوی در نقش اطلاع رسانی پیامی معنوی یا تاریخی رواج داشته است (شایسته فر، ۱۳۸۸). در تحقیقی پیرامون مولفه های معنایی و کالبدی موثر بر معماری خانه های دهه ۳۰ تا ۵۰ در تهران مشخص شد،



روند تغییرات تدریجی شامل حذف تدریجی اتاق های گوشه حیاط، حذف هشتی و تبدیل شدن به دالان و راهروی ورودی و در نهایت به یک سطح جداکننده، تبدیل حوض به استخر، ایجاد حیاط خلوت در ورودی، تراس در طبقات بالای خانه های مدرن، وجود مولفه هایی چون شفافیت، تنوع رفتاری، خلوت به دلیل تنوع فضایی، احترام به طبیعت، وجود انواع فضاهای بسته، نیمه باز و باز در اکثر خانه ها ست (ح سینی و همکاران، ۱۴۰۱). برر سی های پژوهش دیگری نشان داد، پیوندی دو طرفه بین معماری و داستان وجود دارد و اساس تجربیات فضایی منطبق بر روایت است. شخصیت داستان معادل فضا، راوی معادل کاربر، پیرنگ معادل کانسپت، ژانرها معادل کاربری بنا و... است (کریم زاده و همکاران، ۱۳۹۷). نگارنده با پژوهشی در باب برر سی تطبیقی جریان نوگرایی ادبیات و معماری دوره پهلوی برخورد نکرده است.

۱- روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر تاریخی - تحلیلی و تطبیقی می باشد و با گردآوری داده های تاریخی به شکل کتابخانه ای در حوزه داستان نویسی و معماری شاخص در طی سالهای ۳۲-۱۳۲۰، به برر سی تطبیقی آنها پرداخته شده است.

دوران حکومت پهلوی دوم مصادف با تحولات گسترده در سطح جهان و ایران در عرصه نظامهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بود. از نظر سیاسی و اجتماعی دوره حکومت پهلوی دوم را می توان به چهار دوره متمایز تعریف کرد:

دوره اول ۳۲-۱۳۲۰: سالهای آغازین این دولت است که با فراز و نشیب های بسیار یک دولت م شروطه جهان سومی روبروست. عدم اقتدار دولت مرکزی توأم با بسط آزادی های نسبی سیاسی و اجتماعی، وضعیت اقتصادی متزلزل از ویژگی های عمده این عصر است که با کودتای ۱۳۳۲ به پایان می رسد.

دوره دوم یا تثبیت دولت مرکزی ۴۱-۱۳۳۲: این دوره با تعریف مجدد نقش ایران در مقیاس جهانی و تثبیت نقش حکومت مرکزی همراه با شروع برنامه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی با تکیه بر کمکهای خارجی و بهره گیری از درآمدهای نفتی مشخص می شود.

دوره سوم یا اوج ۵۳-۱۳۴۱: در این دوره با افزایش درآمدهای نفتی حکومت مدرنیته با سرعتی بالا و با گسست از گذشته به سوی آینده گام بر میدارد و از این رو مدرنیزا سیون مطرح شده نیز رخدادی مخدوش و مسخ شده به نظر می رسد. این دوره با انفجار قیمت های نفت به پایان می رسد.

دوره چهارم یا افول ۵۷-۱۳۵۳: با شکل گیری مدرنیزا سیون از پایین (عامه مردم) و وقوع بحرانهای اقتصادی و اجتماعی همراه است و در نهایت به وقوع به انقلاب بهمن ۱۳۵۷ می انجامد.

با توجه به گستردگی و تنوع داده ها در تحقیق پیش رو، دامنه پژوهش تطبیقی حاضر محدود به نوگرایی در حوزه داستان نویسی و معماری در دوره اول شده است. روش انتخاب نمونه ها به شکل موردی (در بازه زمانی مذکور) - هدفمند (آثار شاخص تاثیر گذار هر دو حوزه)، می باشد.



۳- یافته ها پیرامون بررسی تطبیقی نوگرایی داستان نویسی و معماری در دوره اول (۱۳۲۰-۱۳۳۲):

با اشغال ایران توسط متفقین و سقوط حکومت پهلوی اول در شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۱۳۳۲، فضای متلاطم اجتماعی و سیاسی و اوضاع اقتصادی آشفته بر کشور مستولی شد و دوره ای از رویدادهای تاثیرگذار و در عین حال بسیار زودگذر در این زمان شکل می گیرد. (جدول ۱)

۳-۱- نوگرایی در داستان نویسی دوره اول

ادبیات داستانی نوین ایران از بدو شکل گیری فراز و نشیب های فراوانی را از سر گذرانده است. این نوع ادبی به ویژه در ایران، از لحاظ ساختار و محتوا تحت تأثیر جریانهای سیاسی و اجتماعی بوده است (طاهری، ۱۳۸۱). در حوزه داستان نویسی، در بستر گوناگونی اجتماعی و فرهنگی، ادبیاتی متنوع شکل می گیرد. جریاناتی ادبی که بر هم اثر می گذارند یا با هم به ستیز می پردازند. در اوایل دهه ی بیست و دو مانع از یک کالای قلمداد می شود. اکثریت قریب به اتفاق رمانها از خلاقیت فکری و ادبی بی بهره اند و نویسنده ها سعی در تقلید از پاورقی نویسی های زرد غرب دارند و نوشتن داستان های دنباله دار در مجلات که مملو از بی دقتی تاریخی و هنری با نثری عجولانه و ملال آور روزنامه ای و خیال انگیزی های تکراری آفت داستان نویسی این دوره به شمار می رود. (سناپور، ۱۳۹۷)

در اکثر داستانها نویسنده ها اگرچه می خواهند فساد همه جانبه ی حکومت را گویند، اما به جای مطرح کردن مسایل از دیدگاهی اصولی، روابط شخصیت های مرد و زن داستان را محور همه چیز قرار می دهند. در این بین، از سویی جمالزاده پس از مدت ها سکوت بعد از "یکی بود یکی نبود"، به عنوان یک نویسنده ی پرکار دوباره به میدان نوشتن برمی گردد اما شیوه ی نویسنده گی اش هیچ تغییری نکرده. ناتوان از درک کشمکش های روحی نسل جدید، همچنان در حال و هوای دوره ی مشروطه مانده است و داستان هایی خطابی بر مبنای ضرب المثلها می نویسد که معروف ترین شان "کباب غاز" است. (میرعابدینی، ۱۳۸۰) و از سوی دیگر هدایت علاوه بر کارهای پژوهشی، آثارش در این دوره به چهار گروه: داستانهای رئالیستی و انتقادی (مثل علویه خانم)، نمایشنامه ها و داستانهای رومانتیک و ناسیونالیستی (مثل پروین دختر ساسان)، داستان های طنزآمیز (مثل حاجی آقا، وغ وغ ساهاب) و روان داستانها (مثل بوف کور، سه قطره خون) تنوع می یابد (کاتوزیان، ۱۳۹۹).

در سالهای میانی این دهه در مقابله با پاورقی های بسیار بلند و پراکنده در مطبوعات و شنفکرانه، گرایش های ادبی جدیدی پا می گیرند که پیروی نکردن از شیوه های مرسوم زمانه، متداول ترین مشخصه ی آنهاست. مساعد شدن زمانه و مطرح شدن انواع ایسم های سیاسی و ادبی، راه را برای مواجهه ی هنرمند با تعصبها و سنت های اخلاقی و اجتماعی باز می کند و امکان تجربه ی شیوه های مختلف ادبی را پدید می آورد. از گرایش های جدید ادبی می توان ادبیات مرامی و ادبیات سوررئالیستی را نام برد که ریشه در داستان های تمثیلی و نمادین دارند. از مهم ترین نویسندگان این سبک می توان به احسان طبری، نیمایوشیج، فریدون توللی و محمد علی افراشته اشاره کرد. (سناپور، ۱۳۹۷)



دهه سوم این قرن سال‌های شکل‌گیری تجربه‌های گوناگون ادبی است که در نشریات گوناگون به چاپ می‌رسد و اکثریت قریب به اتفاق‌شان ادامه‌ی دهنده‌ی بوف کورد و سوررئالیسم (صنعتی، ۱۳۸۰) اما در همین دوران سیمین دانشور را می‌توان بنیان‌گذار شیوه‌ی جدیدی دانست که بعدها به رئالیسم موسوم شد. او نخستین زن ایرانی است که مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه چاپ کرد که در عین خامی قلم، سرشار از احساسات زنانه‌ای است که در داستان‌نویسی فارسی تازگی دارد. وضعیت ترجمه در این دهه بیشتر متوجه آثار رئالیستی است که انتشارشان در پیچ‌های است به هوای تازه و متمایزکننده‌ی این دوران نسبت به دوران قبل، ادبیات رئالیستی رو سیه جای رمانتیک‌های فرازسوی را می‌گیرد و این سرآغاز دوران جدید است (فتوحی و صادقی، ۱۳۹۲).

داستان‌های ماکسیم گورکی، چخوف، پوشکین، داستایوفسکی، تورگنیف، تولستوی، گوگل، شلوخوف و از غربی‌ها امیل زولا، سارتر، بالزاک، فلوربر، مترلینگ، کافکا و... که مهم‌ترین تأثیرشان در کنار گسترش مضمون کمک به رشد صنعت داستان در ایران است. این اتفاق بی‌هنرانی را که داستان‌نویشتن را آسان می‌پنداشتند از دور خارج کرد به گونه‌ای که داستان کوتاه به رقیبی برای شعر مبدل شد و چوبک، آل احمد و گلستان متأثر از ادبیات جدید آمریکا به ساختمان داستان توجهی ویژه کردند و آثاری هنرمندانه آفریدند. از سوی دیگر باز شدن مرزها و ورود افکار جدید سیاسی به ایران نویسندگان را عملاً به عرصه سیاست کشاند به نحوی که اکثرشان به احزاب سیاسی پیوستند و مسئولیت اجرایی بسیاری از نشریات را برعهده گرفتند. به جنبش‌های سیاسی و اجتماعی گرویده و بعضاً از کار ادبی دست کشیدند (میرعابدینی، ۱۳۸۰).



تصویر ۱: جمعی از شرکت‌کنندگان نخستین کنگره نویسندگان ایران، ۱۳۲۵.

عامل دیگری که در پیشبرد جریان نوین نشر فارسی اثر گذاشت، برگزاری نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران در تیرماه ۱۳۲۵ بود. این کنگره طوری برگزار شد که در پایان هرکس در آن شرکت کرده بود، مفهوم روشنی از هنر در ذهن داشت و توانست راه آینده‌ی خود را بداند و قطعنامه‌ی این کنگره تا چند دهه بر روح ادبیات ایران حاکم شد (شکل ۱). جریان دیگری که در همین سال‌ها به وجود آمد، ادبیات زندان بود. با سقوط رضا شاه تاب داغ افشاگری مطبوعات را فراگرفت و نویسندگان و ترقی‌خواهان نیز به افشاگری به عنوان ابزاری برای جلوگیری از بازگشت دیکتاتوری می‌نگریستند. اولین آثار از این نوع را بزرگ علوی نوشته است: "پنجاه و سه نفر". او در این اثر می‌کوشد نشان دهد در



دوره‌ی رضاشاه با محبوسین چگونه رفتار می‌شد؟ او همچنین زمانی که در زندان بود، بر روی ورق‌پاره‌هایی که به‌زحمت به‌دست می‌آورد، داستان‌هایی می‌نوشت که پس از آزادی در مجموعه‌ای به نام ورق‌پاره‌های زندان منتشر شد. این کتاب به تو صیف جنبه‌های شخصی و عاطفی و التهاب درونی زندانیان اختصاص دارد. بعد از آل احمد در "از رنجی که می‌پریم" و گلستان در "آذر ماه آخر پاییز"، به ادبیات زندان پرداختند. (مهدی پور عمرانی، ۱۳۹۷)

اگر بخواهیم نگاهی مختصر به آثار برخی از مطرح‌ترین نویسندگان این دوره بیاندازیم می‌توانیم بگوییم: بزرگ‌علوی از پایه‌گذاران نوگرایی در داستان‌نویسی ایران بود، عمده‌مضامین داستان‌های علوی را اختلاف بین دو نسل تشکیل می‌دهد. جوانان این داستان‌ها در راه تکامل، با جامعه‌ی عقب‌مانده و حافظان سنت کهنه درگیر می‌شوند و از پای در می‌آیند. هرچند مقاومتی که به خرج می‌دهند آثار او را از هدایت متمایز می‌کند. "چشم‌هایش" نشان‌دهنده‌ی تکوین هنر علوی است و مانند بوف کور جزء نخستین رمان‌های واقعی ایران است. این رمان با ساختمان سنجیده و شخصیت‌هایی که حرف و عمل شان مبتنی بر خاستگاه و سم‌گیری روحی و اجتماعی شان است، جای مشخصی در ادبیات پیشرو ایران دارد و نیز داستان "گیله‌مرد" از داستان‌هایی است که تاثیر عمیقی بر ادبیات معاصر ایران گذاشته است (میرعابدینی، ۱۳۸۰).

صادق چوبک نویسنده‌ای است که نگاه بی‌طرفانه و بی‌رحم به فساد موجود در اجتماع، از عوامل مهم شهرت او است. در جهان داستانی چوبک جایی برای عشق و شفقت نیست و هیچکس به دیگری اعتماد ندارد. او نخستین نویسنده‌ی نسل خود بود که موفق به ارایه‌ی طرحی هنرمندانه از زندگی مردم فرودست شد. اما جهان‌بینی فرویدی او و تاثیر ناتورالیسم در آثارش، مانع از آن شد که به عوامل اصلی ستم اجتماعی توجهی جدی داشته باشد. (آتش سودا، ۱۳۸۴)

جلال آل احمد مانند اغلب نویسندگان ایرانی، برخاسته از طبقه‌ی بینابینی جامعه است. به همین دلیل آثارش از دوگانگی روحی عمیقی خبر می‌دهد. او ضمن گرایش به شرکت در مسایل اجتماعی فردگراست. قهرمان‌هایش نه تنها در محیط مذهبی بیگانه‌اند که در محیط مبارزات اجتماعی هم با دیگران پیوندی احساس نمی‌کنند. آنچه داستان‌های جلال را از دیگران جدا می‌کند این است که او مردها و زنان داستانش را در متن هیاهوهای تبلیغی نشان نمی‌دهد، بلکه می‌کوشد با توصیف رنجی که هر یک از آنها می‌برند همدردی خواننده را با آنها برانگیزد. (آل احمد، ۱۳۷۶).

و اما پی‌گیرترین دنباله‌رو داستان‌نویسان آمریکایی در ایران ابراهیم گلستان است که نخستین ترجمه‌ی داستان‌های همینگوی و فاکنر به فارسی هم از او است. او در ادبیات معاصر به عنوان نویسنده‌ای پایبند به سبک شهرت دارد. مسئله‌ی عمده در داستان‌های او شکستن قطعیت‌ها و یقین‌هاست. آدمی که در یقین خود شک کرده است و به درک عمیقی از تنهایی خویش می‌رسد. گلستان استاد توصیف تردیدها و دلهره‌های درونی آدم‌هاست. در داستان‌های او تصویرهای برگرفته از جامعه درونی و ذهنی می‌شوند تا به کار تشریح ظریف حالت روحی آدم‌ها بیانند.

سیر وقوع رویدادهای تاثیرگذار در حوزه داستان‌نویسی این دوره در جدول ۱ آورده شده است.

۳-۲- نوگرایی در معماری دوره اول



در سالهای بعد از ۱۳۲۰، تغییرات سریع اجتماعی و سیاسی در عرصه ملی و بین‌المللی بر معماری نیز تاثیرگذار بود. از سویی سبک غالب ملی در دوره پهلوی اول با ویژگی‌هایی نظیر ابعاد خیره‌کننده، سامان‌دهی متقارن، بکارگیری عناصری دست‌چین از معماری گذشته و کم‌توجهی به معماری محلی پشتیبانی سیاسی خود را به یک باره از دست داد و از دیگر سو در طول سالهای جنگ بین‌الملل معماران ایرانی تحصیلکرده در فرنگ به کشور بازگشتند و با آموزش مدرن و اروپایی خود در نهایت پیشگامان نهضت معماری مدرن در ایران شدند و با کم‌رنگ شدن حضور معماران سنتی و خارجی، آینده معماری ایران را در دست گرفتند (کیانی، ۱۳۸۳). معماری ایران در این دهه به یک تخصص تبدیل شد. در این دوره معماری ایرانی تقریباً در همه شئون ذریبط یک حرفه تخصصی کاملاً شکوفا و پویا به شمار می‌آمد. نخستین مدرسه معماری در سال ۱۳۱۹ در دانشگاه تهران افتتاح شد، و نخستین نهاد رسمی معماری در سال ۱۳۲۴ با عنوان "انجمن آرشیوتکتهای ایرانی دیپلمه" آغاز به کار نمود. به علاوه نخستین قوانین ساختمان‌سازی و استانداردهای شهری در شهرداری تهران به تصویب رسیدند و به اجرا درآمدند (شافعی، ۱۳۸۴)؛ از معماران شاخص عضو انجمن می‌توان از وارطان هوانسیان، محسن فروغی، علی صادقی، کیقباد ظفر بختیار، ایرج مشیری و... را نام برد. این معماران جوان نه تنها استاندارد طراحی معماری در ایران را ارتقاء بخشیدند، بلکه از حکومت وقت خواستند تا معماری را به مثابه حرفه‌ای تخصصی به دیده احترام و با رعایت حقوق صنفی بنگرد. این گروه در تلاش برای تدوین مقررات صنفی، و امکان نظارت و کنترل بر ساخت و ساز شهری به موفقیت‌هایی هم‌رسیدند. به علاوه انجمن مذکور با نهادهای معماری در عرصه بین‌المللی نیز روابطی برقرار نمود و برخی از اعضای این انجمن در کنفرانس‌های بین‌المللی معتبر حضور یافتند. دیرینه‌نگذشت که این سازمان صنفی خود عهده‌دار برگزاری سمینارها و نمایشگاه‌های صنفی شد و همچنین اولین مجله تخصصی معماری ایران به نام "آرشیوتکت" به سردبیری ایرج مشیری که از پیش قراولان معماری مدرن در ایران بود، را منتشر کرد. در این مجله علاوه بر ارتقاء سطح آگاهی از تنوع پدید آمده در معماری، اطلاعات ذیقیمی درباره مواد و مصالح جدید و تکنیک‌های جدید احداث در اختیار خوانندگان می‌گذارد و همچنین ایده‌های نو و رادیکال روز دنیای معماری در این مجله انعکاس می‌یافتند. (بانی مسعود، ۱۳۸۸)

از مهم‌ترین اعضای انجمن آرشیوتکتهای ایرانی و شاید تاثیرگذارترین معمار نوگرا وارطان هوانسیان (۱۳۶۱-۱۲۷۴) بود و ساختمانهایی که وی در این دوره ساخته شده نخستین بناهای کاملاً مدرنیستی ایران شمرده می‌شوند. او بعد از تحصیل در فرانسه و چندین سال کار در دفاتر معماری در ۱۳۱۴ به ایران بازگشت و بلافاصله کار حرفه‌ای خود را پی گرفت. ویژگی اصلی کارهای او در این دوره عدم تقارن، عقلانیت و عملکردگرایی و حجم‌های شاخص، تاثیرپذیری از سبک آرت دکو و توجه به زمان و مکان بنا برخلاف بناهای بی‌زمان و بی‌مکان سبک بین‌الملل بود. از آثار او در این دوره می‌توان به ساختمان جیب (شکل ۲) اشاره نمود. به علاوه وی مقالات متعددی در مجله آرشیوتکت و بعدها در مجله خودش، "معماری نوین" نوشت. این مقالات به لحاظ بیان موجزی که از آرمان‌های نهضت نوگرایی در ایران پس از جنگ جهانی دوم دارند، حائز اهمیت فراوانند. وارطان تنها معماری است که مستقیماً با مساله پذیرش معماری مدرنیستی در ایران درگیر بود و با نقد صریح معماری سنتی و همچنین سبک ملی خواستار سازگاری معماری ایران با الگوهای



مدرن بود؛ با این حال در سالهای بعد با توجه به خواست جامعه هوانسیان نیز در پی دادن رنگ و بوی ایرانی به کارهای خود رفت. وجود تغییرات تدریجی در سبک طراحی و توجه به سلیقه عمومی در عین بیان خاص و منحصر بفرد از دیگر ویژگی های آثار وارطان می باشد (بکاء و همکاران، ۱۴۰۱)



تصویر ۲: ساختمان جیب، اثر وارطان هوانسیان، ۱۳۲۵.

محسن فروغی (۱۲۸۶-۱۳۶۱) از شاخص ترین چهره های نوگرایی معماری کشور و فارغ التحصیل دانشگاه بوز آر فرانسه بود. رویکرد او به مقوله طراحی ساختمانها اساساً رویکردی مدرنیستی است. وی تفسیری خاص از جنبه عقلانی سبک مدرن در معماری داشت و هم به زیباشناسی و هم به مهندسی بنا توجهی ویژه داشت. نسبت به تحولات صورت گرفته در کاربرد مصالح مدرن و نیز بکارگیری روشهای نوین در ساخت مصالح قدیمی با تعمق برخورد می کرد. وی در سال ۱۳۱۵ به دانشگاه تهران پیوست و رئیس دانشکده هنرهای زیبا بین سالهای ۳۲ تا ۴۲ بود. وی چندین بنای عمومی نظیر شعب بانک ملی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران و وزارت دارایی را طراحی نمود. (بانی مسعود، ۱۳۹۹)

کیقباد ظفر (۱۲۸۹-۱۳۶۶) نیز ارتباط محکمی با رشد و توسعه نوگرایی معماری ایران در دهه بیست داشت. وی پس از تحصیل در کالج سلطنتی لندن به ایران برگشت و از عمده کارهای وی طراحی شعبه مرکزی بانک ملی گرگان، آرامگاه رضا شاه، کتابخانه مجلس شورای ملی و وزارت راه بود، که در همگی آنها فرم های مدرنیستی و کاربرد هوشمندانه مصالح نوین نظیر بتن و فولاد جلب نظر می کند که از تمایل معمار به ایجاد نوعی زبان معماری مدرن حکایت دارد. با اینکه ساختمانهای وی بدون هیچ ارجاعی به سبک های سنتی قدیم هستند و چندین خصیصه معماری مدرنیستی منجمله پرهیز از تقارن را به نمایش می گذارند، او در عمل همواره در پی سازگاری آثار خود با شرایط معماری محلی بود.

پل آبکار (۱۲۸۸-۱۳۴۸) بارزترین نماینده معماری مدرنیستی ایرانی است و از او به عنوان عامل شکل گیری جریان عملکردگرایی در معماری ایران یاد می کنند. وی پس از تحصیل در بلژیک به ایران بازگشت و به واسطه استعداد و مهارت خود به سرعت خود را به عنوان یکی از مطرح ترین معماران کشور شناخته شد. از مهم ترین بناهای وی ساختمان



راديو (۱۳۱۹) و مجموعه ساختمانهای اداری وزارت دارایی در شهرهای مختلف است. با استفاده از بتن و شیشه الگویی عملکردگرا و عقل گرا برای ساخت دفاتر اداری در ایران ارائه نمود. (حبیبی، ۱۳۸۳)

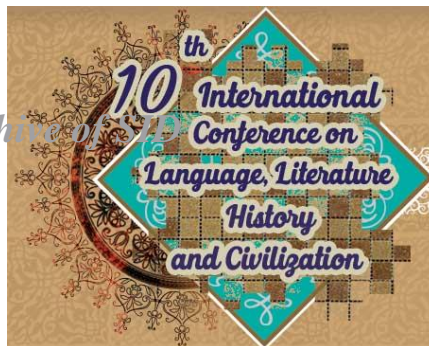
دیگر معمار تحصیلکرده اروپا، اوژن آفتاندلیانس (۱۲۹۲-۱۳۷۶) بعد از بازگشت از فرانسه دبستان فردوسی را در تهران با همکاری رولان مارسل با اصول معماری مدرنیستی و مینیمالیستی اجرا کرد. در سالهای بعد طراحی و اجرای تالار رودکی، تالار فرهنگ، سینما گلدن سیتی (فلسطین) و قسمتهایی از کاخهای سلطنتی را برعهده گرفت. بکارگیری استادانه مصالح نوین بتن و شیشه از مشخصه آثار وی بود. (بانی مسعود، ۱۳۹۹)

به نوعی میتوان دهه بیست را دهه پوست اندازی معماری ایران و گام نهادن در مسیر معماری نو با در نظر گرفتن قوتها و ضعفهای ناشی از این چرخش مسیر دانست. ریشههای نوگرایی معماری ایران به اواسط دره قاجاری می رسد ولی عواملی نظیر رشد شدید شهرنشینی، برنامههای نو سازی شهری و نوآوریهای متعدد در کاربرد مصالح و روشهای ساخت و ساز در کنار عوامل سیاسی و اجتماعی در دوره پهلوی اول باعث شتاب در تغییر روند معماری غالب کشور شد. به طوری که در ابتدای دهه بیست در حالیکه اغلب خانهها را هنوز سازندگان سنتی براساس اسلوب و فنون قجری احداث می کردند، با بازگشت نخستین نسل معماران تحصیل کرده از اروپا که عمدتاً گرایشی نوگرا به معماری داشتند، تحولی قابل توجه در فضای معماری کشور به وجود آمد. (کیانی، ۱۳۸۳) هدف عمده این نسل جوان از معماران معرفی و ابداع روشی جدید در ساخت و ساز کشور بود. آنها نه تنها بناهایی با عملکرد جدید به گنجینه معماری کشور افزودند بلکه تیپولوژی جدید خانه سازی را در ایران معرفی کردند و از طرف دیگر معماری را نیز به عنوان یک حرفه تخصصی مطرح کردند. آنها با اجرای بناهای مسکونی برای طبقه متوسط رو به رشد شهرنشین، نقشی حیاتی در آشنایی و پذیرش مدرنیسم در ایران ایفا کردند. (بانی مسعود، ۱۳۸۸) به وقایع عمده معماری در دوره اول در جدول ۱ اشاره شده است.

جدول ۱. جدول تطبیقی وقایع دوره اول در حوزه سیاسی - اجتماعی، داستان نویسی و معماری ایران. ماخذ، نگارنده.

سال	وقایع سیاسی و اجتماعی	وقایع حوزه داستان نویسی	وقایع معماری
۱۳۲۰	ورود متفقین و آغاز سلطنت پهلوی دوم	"ورق پاره های زندان" بزرگ علوی؛ "کباب غاز" جمال زاده	
۱۳۲۱		"سگ ولگرد" هدایت	
۱۳۲۲	کنفرانس سران متفقین در تهران		
۱۳۲۳	شروع دوره دوم فعالیت "انجمن آثار و مفاخر فرهنگی"		
۱۳۲۴	پایان جنگ جهانی دوم	تاسیس انجمن آرشیوتکت های ایرانی دیپلمه	

اولین مجله معماری ایران "آرشیکت"؛ اتهام کاخ دادگ ستی، تهران، گابریل گورگیان و رولان مارسل دوبرول؛ چهار صد دستگاه، علی صادق و دیگران؛ ساختمان جیب، وارطان هوانسیان؛ طراحی شعبه مرکزی بانک ملی، گرگان، کیقباد ظفر	برگزاری اولین کنگره نویسنندگان ایران؛ اولین جلد لغت نامه دهخدا	خروج شوروی از آذربایجان و سرکوب فرقه دموکرات	۱۳۲۵
	"از رنجی که می بریم" جلال آل احمد		۱۳۲۶
بانک ملی شعبه بازار تهران، محسن فروغی	"آتش خاموش" سیمین دانشور اولین مجموعه داستان به قلم یک زن؛ "آذر، ماه آخر پاییز"، ابراهیم گلستان ؛ اولین شماره مجله ادبی "یغما"	اعلام انحلال حزب توده	۱۳۲۷
		تاسیس جبهه ملی به رهبری مصدق	۱۳۲۸
	ترجمه "مسخ" کافکا، هدایت	ملی شدن صنعت نفت؛ قرارداد اصل چهار ترومن با آمریکا	۱۳۲۹
آرامگاه بوعلی سینا، همدان، هو شننگ سیحون؛ آرامگاه پهلوی اول، کیقباد ظفر و علی صادق و محسن فروغی	مرگ هدایت و بهار		۱۳۳۰
ساخت "آرامگاه سعدی" محسن فروغی	"چشمهایش" بزرگ علوی	وقایع ۳۰ تیر و به قدرت رسیدن مجدد مصدق	۱۳۳۱
افتتاح ساختمان مرکزی بانک سپه، وارطان هوانسیان		کودتای ۲۸ مرداد	۱۳۳۲
ساخت بناهای عمومی و در مقیاس کلان بسیار محدود	آزادی نسبی کتب و مطبوعات رونق پاورقی نویسی	فراز و نشیب ها و تغییرات عمده سیاسی و اجتماعی	جمع بندی
ظهور نسلی جدیدی از معماران تحصیل کرده فرنگ	گرایش های متنوع ادبی بر پایه ایسم های ادبی و سیاسی	ورود افکار سیاسی جدید بحران های اقتصادی	دهه بیست



<p>تأسیس اولین انجمن صنفی و مجله معماری</p> <p>بکارگیری مصالح نوین نظیر بتن و فولاد</p> <p>دو جریان معماری مدرنیستی و شبه مدرنیستی</p>	<p>تغییر توجه از آثار رومانتیک به رئالیستی</p> <p>رواج داستان کوتاه</p> <p>ادبیات زندان</p>
--	---

۳-۳- توصیف شباهت ها و تفاوت های نوگرایی در داستان نویسی و معماری

۳-۳-۱- شباهت ها

۱. قالب بیانی نو

در این دوره استفاده از قالب های جدید بیان هنری در داستان نویسی (داستان کوتاه ، ادبیات زندان ، واقع گرایی اجتماعی) و معماری (نوگرایی یا مدرنیستی) شاهدیم.

۲. آبخشور فکری

اروپا و به ویژه فرانسه به عنوان منبع اصلی اندیشه و آموزش قشر تحصیل کرده در این دوره مطرح اند که این ارتباطات با ترجمه آثار و شرکت در کنفرانس ها تداوم می یابد.

۳. تاثیر شدید سیاست

تاثیر پر رنگ فضای سیاسی در نوشته ها را در تکرار و تنوع بسیار داستان های چاپ شده در مطبوعات و کتاب ها در نتیجه فضای نسبتا آزاد اجتماعی بعد از سقوط پهلوی اول و کیفیت نوشته ها تحت ایسم های مختلف در حوزه داستان نویسی و خواست حاکمیت در احداث بناهای جدید عمومی از معماران نوگرا را شاهدیم.

۴. عدم مقبولیت اجتماعی نگاه جهانی

عدم پذیرش جامعه م صرف از فرآورده های داستانی و معماری نوگرا با استانداردهای کاملاً بین المللی و بدون رنگ و بوی محلی و بومی

۵. بومی سازی دستاورد های بین المللی

سعی در نوعی واقع بینی و انطباق سرفصل های بین المللی در حوزه های داستان نویسی و معماری با در نظر گیری شرایط و فضای محلی که منجر به ایجاد تغییر در آثار داستانی یا معماری برای کسب مقبولیت اجتماعی می شد.

۶. نهاد ها و انجمن های تخصصی

تاسیس نهادهای صنفی ، انجمن ها و گردهمایی های تخصصی برای تبادل افکار و تاثیر گذاری اجتماعی بیشتر در هر دو حوزه

۷. افراد شاخص



ظهور افراد خلاق و جریان ساز در هر دو شاخه که در دهه های بعدی هم تاثیر گذار بودند. در حوزه داستان نویسی افرادی نظیر بزرگ علوی، صادق هدایت، جمال زاده، ابراهیم گلستان، سیمین دانشور، صادق چوبک، آل احمد و ... و در حوزه معماری وارطان هوان سیان، پل آبکار، محسن فروغی، کیقباد ظفر، ایرج م شیر، اوژن آفتاندلیانس و ... را می توان نام برد.

۸. شهر و عملکردهای جدید

طرح فضاهای شهری و معماری با عملکردهای جدید در پاسخ به نیازهای جدید جامعه شهرنشین که در معماری سنتی تعریف نشده بود از سوی معماران نوگرا و بیان داستان هایی با جغرافیای متنوع و نوین شهری، از عوامل منجر به پذیرش تغییرات گسترده شهرها از سوی اکثریت طبقه متوسط بود.

۳-۲- تفاوت ها

۱. تحصیلات

معماران جوان نوگرا (عمدتا از ارمنه ایران و یا خانواده های سرشناس) در اروپا تحصیلات خود را به پایان رسانده و به کشور بازگشته بودند لیکن داستان نویسان جوان (با پایگاه اجتماعی متنوع) عمدتا در ایران فارغ التحصیل شده بودند و نویسندگان تحصیل کرده در فرنگ مانند جمال زاده، هدایت و علوی نیز از یکی دو دهه پیش ساکن ایران بودند.

۲. زمان وقوع

با اینکه ریشه های نوگرایی در داستان نویسی و معماری به اواسط دوره قاجار می رسد لیکن تقدم زمانی این جریان در داستان نویسی نسبت به معماری را با توجه به نیاز به پذیرش اجتماعی همراه با مسایل اقتصادی و در هم تنیدگی بیشتر معماری با سیاست های کلان اجتماعی را شاهدیم.

۳. تکامل در مقابل پیدایش

ادامه و تکامل جریان داستان نویسی نوگرای اوایل سده چهارده خورشیدی علیرغم سالهای خفقان، در دهه بیست همراه با اضافه شدن ژانرها و موضوعات جدید داستانی روی می دهد ولی در معماری نوعی توقف جریان معماری غالب (سبک ملی) به دلیل فضای متشنج اجتماعی و سیاسی اوایل دهه بیست و بحرانهای اقتصادی اتفاق می افتد و تقریباً از میانه دهه بیست پیدایش جریان جدید نوگرایی در معماری با بازگشت تحصیل کردگان در اروپا و بهبود شرایط اقتصادی دولت همراه با سیاست های جدید توسعه شهری به مدد وام های خارجی را مشاهده می نمایم.

۴. پیوستگی در برابر گسستگی

پیوستگی داستان نویسی با توجه به فضای رشد مساعد ناشی از آزادی های اجتماعی و انقطاع معماری در نیمه اول این دهه به دلیل شرایط اقتصادی و سیاسی ملتهب کشور

۵. نحوه ارتباط با حاکمیت



در این دوره اکثر جریانهای متکثر نوگرا در حوزه داستان نویسی به نقد حاکمیت و جامعه می پردازند و از این گذر سعی در اصلاح شرایط و انجام رسالت اجتماعی خود دارند ولی جریان نوگرای معماری به نوعی با حاکمیت به عنوان کارفرمای اصلی و سیاست گذار توسعه ساخت و ساز همراهی می کند.

۶. تنوع نگرش

در دوره مورد بررسی تنوع گرایش های داستان نویسی از نظر قالب داستانی، ساختار، نگرش اجتماعی و فکری و همچنین تعداد قابل توجه نویسندگان (نیمه اول دهه بیست) را شاهدیم در صورتیکه گرایش غالب نوگرایی در معماری به سبک مدرنیستی منطبق با شرایط محلی (شبه مدرنیستی) بود و تعداد مشخصی از معماران دست اندر کار ساخت بناهای شاخص هستند

۴- نتیجه گیری

نوگرایی یا تجدید در دهه بیست در هر دو حوزه داستان نویسی و معماری تأثیرات عمیقی گذاشت که امروزه نیز قابل مشاهده است. با اینکه ریشه های نوگرایی در هر دو شاخه به دوره قاجاریه می رسد ولی به دلایل اقتصادی و فضای سیاسی و اجتماعی پر کشمکش اواخر قاجاریه برخلاف داستان نویسی نوین، معماری نوگرا مجال پیدایش نیافت. در دوره پهلوی اول داستان نویسی نوگرا بسته به شرایط اجتماعی، دوره های مختلف رشد سریع و کند را در قالب های مختلف تجربه کرد و همزمان در معماری همگام با تحولات و سبک در کشور معماری سنتی در ساخت بناهای عمومی شهرهای بزرگ (بجز آرایه های تزئینی و نمادین) به کناری نهاده شد و معماری سبک ملی با همراهی مهندسان ایرانی و خارجی شاغل در ایران ابداع و معمول گشت.

در سالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۱۳۳۲ کشور دوره ای از آزادی های اجتماعی نسبی توأم با شرایط اقتصادی نامطلوب و فضای پرفراز و نشیب اجتماعی و سیاسی را تجربه کرد. در این دوران گذار داستان نویسی مجدداً در عرصه اجتماعی فعال شد و در قالب های نوینی چون داستان کوتاه، با بیان انتقادی از دوره گذشته و روز حاکمیت و همچنین باورهای جامعه سعی در روشن ساختن مسیر ترقی و انجام رسالت اجتماعی متصور برای خود را داشت. در این دوره ابداع شیوه ها و بکارگیری اصیل یا همراه با تغییرات الگوهای خارجی ادبیات داستانی بوسیله خود نویسندگان و بدون یا با کمترین دخالت دولت همراه بود و منجر به نقش و جایگاه متمایز ادبیات و ژانرهای مختلف داستان نویسی بر زندگی اکثریت مردم و اقبال عمومی شده بود. در همین برهه در حوزه معماری پس از فطرت در نیمه اول دهه بیست که به دلیل مشکلات اقتصادی و تزلزل وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور حادث شده بود، همراه با بازگشت معماران جوان تحصیل کرده در فرنگ و ثبات نسبی شرایط اقتصادی و اجتماعی، برنامه های ساخت و ساز عمومی در شهرهای بزرگ پیگیری شد و با تأسیس نهاد های صنفی و تدوین مقررات ساخت و ساز شهری جامعه معماری به عنوان عاملی تأثیر گذار در نوگرایی ایران مطرح شد.

در این مقطع زمانی در هر دو حوزه داستان نویسی و معماری افراد خلاق و تأثیر گذاری به ایجاد و استمرار جریان نوگرایی توجه داشتند و با طرح قالبها و شیوه های جدیدی که عمدتاً حاصل تحصیل و یا تماس مستقیم در اروپا بود همراه با تلاش



در انطباق آنها با شرایط بومی و محلی سعی در تحول فکری و افزایش کیفیت زندگی مردم داشتند. ایجاد نهادها و انجمن های صنفی و تخصصی با هدف مبادله تجارب و افکار و همچنین افزایش قدرت تاثیرگذاری اجتماعی در این دهه اتفاق می افتد. در این دوره شهر، فضاهای شهری و بناهای با عملکردهای جدید، نقشی پررنگ در تحولات جامعه ایرانی که جمعیت شهرنشین آن به شکل دائمی در حال افزایش بود، ایفا می کرد که این امر علاوه بر تاثیر مستقیم جریان نوگرایی معماری در طراحی و احداث آن، در داستان های نوگرایی آن برهه که معمولا شخصیت های اصلی آنها مربوط به قشر متوسط شهری بود نیز خودنمایی میکند. به علاوه در هر دو حوزه شاهد برقراری دیالوگ جریان نوگرا با متولیان سیاسی و جریانهای اجتماعی هستیم.

همزمان در این دوره معماران جوان نوگرا که عمدتاً متعلق به چند قشر مشخص بودند با تعلق خاطر کمتر نسبت به اصول سنتی گذشته و تحت تاثیر مشاهده اسلوب و مصالح طراحی و ساخت و ساز اروپا از یک سو و فطرت ناشی از انقطاع ساخت و سازهای وسیع به دلایل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی از دیگر سو، عمدتاً به ایجاد شیوه ای جدید در معماری کشور و با همراهی با حاکمیت به عنوان کارفرمای عمده و سیاست گذار حوزه ساخت و ساز می کوشیدند و از طرف دیگر داستان نوگرایی با پایگاه خانوادگی متنوع بوسه سطح تحصیل و اقامت طولانی در کشور علیرغم تفکرات نوگرایانه از بدنه جامعه شناخت بیشتری دارند و به ادامه و تکامل داستان های نوگرایی خود که از دوره مشروطیت پا به عرصه وجود گذاشته، می پردازند. رسالتی که ادبیات داستانی نوگرا در این دوره برای خود متصور است در قالبها و ژانرهای مختلف و عمدتاً با نقد صریح حاکمیت همراه است. این تکامل و تحول تدریجی در دهه های بعد نیز ادامه می یابد.

با توجه به گستردگی منابع و مباحث، دامنه تحقیق حاضر به دوره اول حکومت پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۳۲) محدود شد لیکن بررسی و نتیجه گیری جامع تحولات و تاثیرات جریان نوگرایی، به ویژه در دهه سی و چهل در حوزه داستان نویسی و معماری نیازمند مطالعات بیشتری است که نگارندگان در آینده نزدیک به آن خواهند پرداخت.



منابع

- آتش سودا، محمدعلی. (۱۳۸۴). شیوه داستان نویسی چوبک. علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۲۲(۱) (پیاپی ۴۲) ویژه نامه زبان و ادبیات فارسی))، ۱۸۷-۲۰۲.
- آل احمد، شمس، جلال از چشم برادر، تهران: انتشارات بدیهه، ۱۳۷۶.
- بانی مسعود، امیر، معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته، تهران: هنر معماری قرن، ۱۳۸۸.
- بانی مسعود، امیر، معماری معاصر در ایران، مشهد: انتشارات کسری، ۱۳۹۹.
- بکاء، شیما و رحیم زاده، محمدرضا، معظمی، منوچهر، گذشته در اندیشه معمار؛ وارطان هوانسیان، گذشته دور، گذشته نزدیک، مجله مطالعات معماری ایران، شماره ۲۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ۱۵۴-۱۳۳.
- حبیبی، محسن، شرح جریان های فکری و شهر سازی در ایران معاصر، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۳.
- حسینی، سارا، البرزی، فریبا، و امینی، امیرحسین. (۱۴۰۱). بازخوانی خانه های تهران از ادبیات داستانی معاصر در بازه زمانی ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷. باغ نظر، ۱۹(۱۱۱)، ۱۱۰-۹۱.
- سنابور، حسین، آغازکننده گان رمان مدرن ایران، تهران: نشر چشمه، ۱۳۹۷.
- شافعی، بیژن، معماری کریم طاهرزاده بهزاد، تهران: انتشارات دید، ۱۳۸۴.
- شایسته فر، مهناز، تعامل معماری و شعر فارسی در بناهای عصر تیموری و صفوی، مجله مطالعات هنر اسلامی، دوره ۶ شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۸.
- صنعتی، محمد، صادق هدایت و هراس از مرگ، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- طاهری، قدرت اله. (۱۳۸۱). بررسی و تحلیل جریانهای داستان نویسی معاصر (۱۳۳۲-۴۲). پژوهش زبان و ادبیات فارسی، (۱)، ۹۰-۷۷.
- فتوحی رودمعجنی، محمود، و صادقی، هاشم. (۱۳۹۲). شکل گیری رئالیسم در داستان نویسی ایرانی. جستارهای نوین ادبی، ۴۶(۳) (مسلسل ۱۸۲)، ۲۶-۱.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون، صادق هدایت و مرگ نویسنده، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۹.
- کریم زاده، سپیده، اعتصام، ایرج، فروتن، منوچهر، و دولتی، محسن. (۱۳۹۷). روایت معماری؛ مطالعه تطبیقی روایت در معماری و داستان. کیمیای هنر، ۷(۲۸)، ۱۰۷-۹۳.
- کیانی، مصطفی، معماری دوره پهلوی اول، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۳.
- محلوچی زاده مهابادی، معصومه، ۱۳۹۴، معماری در ادبیات، کنفرانس بین المللی معماری، شهر سازی، عمران، هنر و محیط زیست؛ افق های آینده، نگاه به گذشته، تهران.
- مهدی پور عمرانی، روح الله، ادبیات زندان، تهران: انتشارات آفرینش، ۱۳۹۷.
- میرعابدینی، حسن، صد سال داستان نویسی ایران، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۰.